



نگاهی به تبارشناسی گفتمانی گروه حاکم بر افغانستان

طالبان؛ اسلام گرایان سیاسی غیراصیل



علی شفیق

کارشناس مسائل افغانستان

از بدو تشکیل گروه طالبان همیشه راجع به ساختار تشکیلاتی و هویت واقعی آن سخنان متفاوتی بیان شده است. تقریبا اطلاعات مستند، مکتوب و محکمی از دوره تشکیل این گروه وجود ندارد بلکه عمده اطلاعات به صورت شفاهی است. سال هاست که میان پژوهشگران بر سر نقطه جغرافیایی عزیمت و برخاستن این گروه اختلاف است. عده‌ای تشکیل اولیه آن را به «اسپین بولدک»، نزدیکی مرزهای پاکستان مرتبط می‌دانند و برخی دیگر معتقدند هسته اولیه این گروه در ولایت قندهار تشکیل یافته است. نبود رسانه قوی در دوره پنج‌ساله حکومت طالبان بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ نیز عامل دیگری شد تا اطلاعات راجع به این گروه ناقص و در هاله‌ای از ابهام باقی بماند. هیچ‌یک از رهبران این گروه نمای رسانه‌ای افزوده و کمتر کسی از تغییرات و تحولات درونی آن به خوبی آگاه است. بعد از حدود سه دهه برای اولین بار مانیفستی از این گروه منتشر شده که برخی افکار رهبران آن را بازنشر داده است، لذا طالبان در مقایسه با دیگر گروه‌ها و جنبش‌های سیالسی اسلامی در امر شناساندن خود و بازتاب افکار و عقایدش رویکرد متفاوتی داشته و بسیار ضعیف‌تر از آنان عمل کرده است. آنها در سال گذشته و پس از به دست گرفتن حکومت در افغانستان، قانون اساسی دوره سلطنت را که مربوط به نیم قرن قبل است، معیار قرار دادند. برخی جنبش‌های سیاسی اسلامی، کمیته مجزایی جهت دعوت و تبلیغ دارند که به نشر و توسعه افکار آنها می‌پردازند. ازجمله اخوان المسلمین و حزب التحریر که در کشورهای اسلامی و برخی کشورهای غیراسلامی و حتی اروپا دفتر و شعبه دارند و دائما افکار و مسائل خود را با مردم و جامعه درمیان می‌گذارند. اما گروه طالبان به دلایل مختلفی، ازجمله پایین بودن سطح سواد در کشور افغانستان به‌طور عام و پایین بودن سطح سواد رهبران این گروه به‌طور خاص از این جهت ضعف جدی داشته و دارند.

در این میان، مساله‌ای که برخی پژوهشگران و تحلیلگران را با آن درگیر کرده، معطوف به رویکرد اسلامی طالبان است. درواقع طالبان با مفهوم سیال و پیرامنه «اسلام سیاسی» نسبتی دارد که قابل انکار نیست اما میزان و کیفیت آن روشن نیست. برخی معتقدند که این گروه ایدئولوژی اسلام سیاسی دارد و رویکردی م‌هردیف اخوان المسلمین یا شعبه‌های نظامی آن مانند حماس جهاد اسلامی دارد. برخی دیگر نیز به حسب تفوق رویکرد نظامی آنها، گروه‌های شبه نظامی فعال در سوریه و عراق ازجمله جبهه‌النصره، تحریر الشام و فیلق الشام را همسنگ این گروه می‌دانند؛ که همه اینها به نوعی وامدار گروه القاعده هستند و روابط مثبتی با طالبان داشته و دارند. به‌طور مثال همیشه افراد طالبان از موفقیت‌های این گروه‌ها ابراز خرسندی کرده و این گروه‌ها نیز پس از تسلط طالبان بر افغانستان پیام تبریکی برای آن فرستادند. در یک مقایسه

کلی‌تر، برخی القاعده و طالبان را دارای یک جوهره و تفکر می‌دانند و به قرینه آن گروه‌های سوری را با طالبان یکی می‌دانند.

اما مساله مهمی که باید به آن اشاره داشته باشیم این است که همه این گروه‌ها چه نظامی و چه غیرنظامی، به اسلام سیاسی با مولفه‌ها و ویژگی‌های مهمش اعتقاد دارند. تفکری که در یک قرن اخیر در کشورهای اسلامی گسترده شده و گروه‌هایی مثل اخوان المسلمین در جهان اهل سنت و انقلاب اسلامی ایران در جهان تشیع نماینده اصلی این تفکرات هستند. طالبان نیز در تفکر و عملکردش مبانی و مولفه‌هایی از اسلام سیاسی دارد اما باید به‌طور دقیق‌تر بررسی کرد که تاکید بر کدام‌یک از مولفه‌ها بیشتر است و شباهت و تفاوت این گروه با دیگر گروه‌ها چیست؟ این مساله زمانی مهم جلوه می‌کند که بسیاری با فرض اینکه طالبان یک گروه اسلام‌گرای رادیکال است به پیش رفتند و دچار تناقضاتی شدند. لذا لازم است تا مولفه‌های گفتمانی این گروه بعد از رسیدن به حکومت و مشخص تر شدن برخی رویکردهای آنان مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. به‌طور مثال گروه حقانی و رئیسش به عنوان یک گروه تروریستی اسلام‌گرای بسیار مخوف در رسانه‌ها مطرح هستند اما اخیرا ژنرال کارتر بریتانیایی در اظهاراتی عجیب و با کمال تعجب گفته که «سراج الدین حقانی» یک مدرنیست است. از طرف دیگر هنوز رفتارهای بدوی این گروه با مردان و زنان و مخالفان سیاسی بر جای خود استوار است.

در یک اشاره گذرا می‌توان گفت که در چندماهه اخیر برخی رویکردهای طالبان که تصور می‌شد شبیه اسلام سیاسی رادیکال باشد، نبوده که از قضا مولفه‌هایی هستند که در اسلام سیاسی مهم و مبنایی هستند: نوع نگاه به شریعت و جایگاه علما و به تبع آن نوع برخورد با چهره‌های تاریخی سکولار، مانیفست گروه و نوع نگاه به نظام امپریالیسم جهانی ازجمله مواردی هستند که در رویکرد طالبان نسبت به آنها در یک‌ساله اخیر مشخص تر شده و جهت گیری این گروه واضح‌تر شده است.

آنچه در مدل‌های اسلام سیاسی شاهد هستیم این است که علمای مسلمان در رأس امور هستند و کار تقنین و قضاوت با آنهاست و در امور اساسی دولتی نقش ویژه‌ای دارند. یعنی جایگاه ویژه‌ای هم برای علما و هم برای

شریعت قائل هستند. این تفکر ریشه در آن دارد که دین را پاسخگوی مسائل روزمره می‌دانند. اما در مدل حکومتی که طالبان عرضه کرده است، علما در کنار حکومت قرار گرفته و صرفا نقش موید آن را دارند. اگر به کارنامه یک‌ساله طالبان بنگریم، دو نشست بزرگ علمای افغانستان که یکی در قندهار و یکی در کابل برگزار شد، علمایی که در لویه‌جرگه (گردهمایی بزرگ سران) جمع شدند، به نوشتن یک بیانیه در جهت تایید حکومت و رویکردهای آن بسنده کردند. در کنار آن یک‌سری ارشادات کلی و توصیه‌های عمومی نیز بیان شده است. ماده نهم قطعنامه پایانی نشست علما در کابل به این شرح است که «بالای امارت صدامی کنیم که به عدالت، آموزش‌های دینی و عصری، بهداشت، زراعت و صنعت در روشنائی شریعت به اقلیت‌ها، اطفال، زنان و حقوق تمام مردم توجهی ویژه داشته باشد». این مساله با مدل حکومتی جمهوری اسلامی ایران یا به اصطلاح مدل فعالیت جنبش‌های اسلامی ازجمله اخوان المسلمین متفاوت است که در رأس امور علما و باسوادان دینی قرار دارند. در مدل اسلام سیاسی، علما در پی پاسخگویی نیازهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی از منظر دینی و محوریت متون دینی هستند، اما جایگاهی که طالبان برای علمای افغانستان درنظر گرفته، صرفا در حد مشاور و موید حکومت است و این با نوع نگرش اسلام‌گرایان سیاسی به دین متفاوت است.

مولفه دیگری که در کنار نقش علما قرار می‌گیرد، شریعت و نوع نگاه به آن است. از زمان بدو ظهور طالبان همیشه نوع نگاه این گروه به شریعت مورد انتقاد بوده و بسیاری از علمای برجسته آن را نگاهی بدوی و به‌شدت تحت‌تاثیر بوم و جغرافیای منطقه می‌خواندند که به نوعی شریعتی ناسازگار با اتفاقات روز و مساله حکومت‌داری در عصر مدرن است. همین مساله در دوره اول برای طالبان دردسرهای زیادی به وجود آورد و رویکرد آنان در برابر تحصیل و زنان و مخالفان سیاسی که براساس شریعت موردنظرشان بود، مورد انتقاد قرار می‌گرفت. امروزه با مرور مانیفست منتشرشده طالبان شاهد آن هستیم که تغییر چندان ویژه‌ای در نوع نگاه به شریعت صورت نگرفته است و مسائل و استناداتی که در این مانیفست بدان اشاره شده، همگی رجوع به مسائل تاریخی است که برای تطبیق با شرایط روز و امر مدرن و سیاست مدرن نسبت به آنها

تلاشی صورت نگرفته است. در کنار همه اینها یک مساله دیگر که بسیار قابل توجه به نظر می‌رسد، قانون اساسی موردنظر طالبان است. چند روز پس از سقوط کابل و تغییر حاکمیت، طالبان به جای آنکه قانون اساسی موردنظر خود را اعلام کرده و از طریق آن تلاش کند مشروعیت سیاسی لازم را به دست آورد، قانون اساسی دوره سلطنت ظاهرشاه را به‌عنوان معیار و ملاک حکومت خود مطرح کرد که این قانون اساسی با رویکرد اسلام سیاسی میانه چندان سازگاری ندارد.

در مدل اسلام سیاسی کسانی که به اسلام به‌عنوان منبعی برای تشکیل نظام سیاسی نگاهی ندارند، سکولار یا لائیک خوانده شده و به‌عنوان رقیب و مخالف تصور می‌شوند. در تاریخچه تولد اسلام سیاسی در افغانستان در دهه‌های اخیر شخصیت مهمی که به‌عنوان مخالف اسلام سیاسی مدنظر است و عملکرد آن از طرف جنبش‌های اسلامی در افغانستان مورد تقبیح بوده، امان‌الله‌خان، شاه پیشین افغانستان است که می‌توان او را به نوعی بنیانگذار سکولاریسم در افغانستان معرفی کرد. شخصی که دست به اصلاحات بسیاری در کشور زد. اصلاحات او در میان اسلام‌گرایان، به‌عنوان رویه‌های ضددینی مشهور و معروف است. عملکرد او چیزی شبیه رضاخان در ایران و آتانورک در ترکیه است. در این کشورها، گروه‌های اسلام‌گرا اگر این دو شخصیت را به‌خاطر مسائل کافر و دشمن نخوانند، حداقل از آنها تجلیل نمی‌کنند. اما طالبان هم در روزهای نخست سقوط کابل و هم در روزهای اخیر به مناسبت سالروز استقلال کشور افغانستان از وی تجلیل کرده و وزیر دفاع کشور، ملامحمد یعقوب، پسر ملاعمر، بنیانگذار طالبان، با دسته گل بر مزار او رفته و راه و رسمش را مورد تجلیل قرار داده است. این مواضع را اگر با دیگر گروه‌ها و چهره‌های مهم اسلام‌گرای افغانستان مقایسه کنیم بسیار حائز اهمیت است. به‌طور مثال گلبدین حکمتیار به‌عنوان چهره‌ای اسلام‌گرا هیچ‌گاه از شخصیت امان‌الله تعریف و تمجید نکرده و او را مزدور انگلیس می‌داند که به ازای یک ماشین رولزرویس انگلیسی، چادر را از سر ملکه‌اش انداخته است.

در مانیفست منتشرشده طالبان که توسط عبدالحکیم حقانی، قاضی القضات طالبان نوشته شده، نوع نگرش این گروه به سیاست نیز بیان شده است. در بیان اولیه اسلام و

قرآن منابع تشریح بیان شده؛ اما در این نوع از اشاره نگرش سیاسی منبعث از دین بسیار ساده و بسیط است و دوم اینکه متفاوت از دیگر گروه‌های اسلام‌گرای سیاسی است. در مانیفست طالبان حکومت‌های اسلامی و غیراسلامی براساس مفاهیم ارشادی از یکدیگر تفکیک می‌شوند و نه نگاه حقوقی یا بر مبنای ظلم و عدالت. به‌طور مثال سیدقطب حکومت‌ها را براساس ظلم و عدالت و پیاده‌سازی احکام اسلامی به دو گروه جاهلی و اسلامی تفکیک کرده بود که مفهوم ظلم و عدالت در آن پرنرگ است، اما در مانیفست طالبان، حکومت اسلامی «حکومت الهدایت» است و در برابر آن حکومت مادی «حکومت الجباریت» است که به‌نوعی حکومت مادی شناخته شده و بر بسیاری از حکومت‌های امروزی تطبیق می‌شود؛ حکومت‌هایی که دغدغه اصلی آنها جمع‌آوری مالیات و معاش مردم است و نه معاد آنان. در ادامه نیز برای بقای حکومت بر سه مساله قوانین و قضای مستقل و ارتش قوی تاکید می‌شود. درواقع یک نگرش سیاسی کاملا بسیط و ساده که به‌نوعی یک اسلام سیاسی متفاوت از جنبش‌های اسلامی مطرح دیگر تعریف می‌شود.

رضوان السید در کتاب مهم «اسلام سیاسی در کشاکش سنت و تجدد» برخی گروه‌های اسلامی را اساسا سیاسی نمی‌داند؛ چراکه آنان ایده سیاسی جالب‌توجهی ندارند، ازاین‌رو در آن دسته قرار می‌گیرند که صرفا واکنشی به کنش‌گری نظام‌های سیاسی موجود دارند. شاید بتوان طالبان را براساس همین نظر السید تحلیل کرد که مبنای سیاسی مشخصی ندارد، اما ازاین‌رو که با نظام سیاسی حاکم درگیر بوده و امروزه به حکومت رسیده است، آن را در دسته اسلام سیاسی جای می‌دهند.

مولفه دیگر و مهمی که باید به آن اشاره کرد، نوع نگاه به سلطه آمریکا و امپریالیسم جهانی است. در منظر گروه طالبان امریکایی‌ها ۲۰ سال دشمن طالبان به حساب می‌آمدند؛ اما این دشمنی نه از سر رفتار استکباری آمریکا در کل جهان بلکه بر سر حمله به خاک افغانستان بوده است. درواقع آمریکا برای آنان حکم اشغالگر را دارد و نه حاکم درگیر جهانی. این مساله در مفاد توافقنامه دوحه و عملکرد چندماهه سیاست خارجی طالبان مشهود است که تلاش دارد آمریکا و جامعه جهانی را با خود همراه کند و زمینه‌های همکاری اقتصادی و ژئوپلیتیکی با آنان را فراهم کند. با وجود اینکه آمریکا ۲۰ سال در خاک افغانستان با این گروه جنگیده است، اما امروزه دشمن افغانستان حساب نمی‌شود؛ چراکه دوره اشغال از نظر آنان پایان یافته است. این درحالی است که در منظر برخی گروه‌های جهادی اسلامی، آمریکا از این نظر دشمن مسلمانان است اما باید به شباهت و تفاوت آن با دیگر گروه‌ها توجه جدی داشت. این مساله برای آینده پژوهی و پیش‌بینی رفتارهای این گروه مهم است. به‌طور مثال اگر فرض کنیم که حکومت طالبان دوام یابد، پیش‌بینی اینکه ساختار حکومتی آن به سمت کدام‌یک از اشکال حکومت‌های امروزی در جهان اسلام می‌رود، مهم است؟ کشورهای پادشاهی عرب، ترکیه اردوغان، مالزی، بوکوحرام نایجریه، داعش؟

عربستان؛ پایتخت موادمخدر منطقه



شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان انتشار گزارشی درباره توقیف ۴۵ میلیون قرص آفتامین در عربستان نوشت که پادشاهی آل سعود به پایتخت موادمخدر خاورمیانه تبدیل شده است. به گزارش مهر، شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان در گزارشی نوشت: «مقامات سعودی روز چهارشنبه بزرگ‌ترین محموله موادمخدر را در ریاض کشف کردند؛ موضوعی که بر باور کارشناسان درباره تبدیل شدن عربستان به پایتخت موادمخدر خاورمیانه صحه می‌گذارد.» سی‌ان‌ان گزارش خود را این گونه آغاز می‌کند: «یک جنایت هولناک و تحت‌تاثیر موادمخدر در ماه آوریل، رسانه‌های عربستان را تسخیر کرد؛ مردی در شرق ریاض اعضای خانواده خود را پیش از افطار، به آتش کشید و چهار عضو خانواده خود را کشت. پلیس اعلام کرد که این مرد تحت‌تاثیر نوعی متامفامین (شیشه یا کریستال) مرتکب این جنایت شده است. به‌دنبال این حادثه، رسانه‌های عربستان، زنگ هشدار درباره افزایش استعمال موادمخدر در این کشور را به صدا درآورده‌اند.»

روسیه صادرات گاز به اروپا را قطع کرد



شرکت روسی گازپروم از روز جمعه صادرات گاز به اروپا را متوقف کرده است. به گزارش ایرنا به نقل از رویترز، شرکت گاز پروم روسیه امروز جمعه اعلام کرد در پی بروز نشتی در خط لوله نورداستریم یک، صادرات گاز از طریق این خط، که از اصلی‌ترین خطوط انتقال گاز است، به اروپا به صورت کامل قطع شد. طبق اعلام این شرکت روسی؛ توقف جریان گاز به اروپا از طریق خط لوله نورداستریم یک، تا زمان رفع کامل نقص عملکرد تجهیزات متوقف می‌شود. خبرگزاری دولتی ریائونوستی روسیه نیز تایید کرد که خط لوله صادرات گاز نورداستریم تا مدت زمان نامشخص بسته شده است. این خبرگزاری به نقل از شرکت گاز پروم روسیه گزارش داد که شرکت زیمنس اعلام کرده نشتی در موتور پمپاژ گاز تنها در یک کارگاه تخصصی قابل تعمیر است.

رومانی به دنبال خرید پهپاد از ترکیه



رسانه‌های محلی رومانی گزارش کردند که این کشور تمایل خود را برای خرید ۱۸ فروند پهپاد بیرقدار از ترکیه اعلام کرده است. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری آنتاولی، گزارش شده وزارت دفاع رومانی خواستار تایید پارلمانی برای خرید این ۱۸ فروند پهپاد ترکیه‌ای است. در درخواست ارائه‌شده توسط این وزارتخانه آمده که رومانی امیدوار است با کمک پهپادها، اهداف داده‌شده به بخارست را در فرآیند برنامه‌ریزی دفاعی ناتو اجرا کند و این برنامه به دستیابی به اهداف تحول ارتش رومانی تا سال ۲۰۴۰ کمک خواهد کرد. گفت‌وگوها برای خرید این پهپادها به ارزش ۳۰۰ میلیون یورو بین دو کشور در پی روند تایید آغاز می‌شود. این پهپادهای ساخت ترکیه در جریان جنگ اوکراین و نبرد ۲۰۲۰ بر سر قره‌باغ مشهور شده و کشورهای زیادی ازجمله لهستان تمایل به خرید آن دارند.

تایوان: ساقط کردن پهپاد چین کار درستی بود



نخست‌وزیر تایوان روز جمعه گفت ساقط کردن یک فروند پهپاد در طرف ساحل چین مناسب‌ترین کار انجام‌شده پس از هشدارهای مکرر بوده و چین باید خوشبختنداری را تمرین کند. به گزارش ایسنا، به نقل از رویترز، ارتش تایوان برای نخستین‌بار یک پهپاد را که وارد حریم هوایی یکی از جزایر تایوان شده بود در نزدیکی شهر شیامن چین روز پنجشنبه سرنگون کرد و این اقدام پس از آن صورت گرفت که دولت تاییه قول داد تا اقدامات شدیدی را برای رویارویی با افزایش چنین رویکردهایی از سوی چین وضع کند. همچنین این اقدام پس از آن صورت گرفت که تایوان بارها بابت ورود این پهپادها به حریم هوایی اش از سوی چین هشدار داده بود. این اقدام تایوان درحالی صورت گرفته است که این جزیره بخشی از چین به شمار می‌رود ولی ادعاهای جدایی طلبانه‌ای دارد.